



سید حسن با این پیروزی شادی را به مسلمانان و غیر مسلمان لبنانی هدیه داد

مروری بر آخرین عملیات رزمندگان حزب الله علیه اشغالگران، پیش از آزادی لبنان

عملیات عَرَمَتَا

ارتش رژیم صهیونیستی و مزدورانشان در جنوب لبنان، آخرین عملیات رزمندگان حزب الله علیه مزدوران ارتش آنتوان لحد در قلب مناطق اشغالی جنوب لبنان آغاز شد: عملیات عرمتا. قبل از این عملیات، رزمندگان مقاومت بارها به پایگاه‌های ارتش لحد یا صهیونیست‌ها حمله کرده بودند؛ پایگاه‌هایی که مزدوران عموماً بر فراز قله کوه یا تپه‌ها ساخته‌اند و دور تا دور آن را مین گذاری کرده‌اند تا امکان رسیدن به آن از دامنه ارتفاع در زمان کوتاه غیر ممکن باشد. پایگاه‌ها عمدتاً به انواع و اقسام مسلسل‌های خودکار و حتی حرارتی مجهز بودند تا امکان هر گونه حمله رزمندگان حزب الله، حتی هنگام شب غیر ممکن باشد.

هر پایگاه صهیونیست‌ها ۶ تا ۸ سرباز داشت که از بالا به تمام مناطق اطراف احاطه داشتند و به محض شلیک اولین گلوله به سمت پایگاه، وضعیت خود و پایگاهشان را به صهیونیست‌ها گزارش می‌کردند. عملیات رزمندگان حزب الله با گلوله باران از راه دور شروع می‌شد و طی مدت کوتاه گلوله باران که می‌بایست با دقت بسیار زیاد و متمرکز انجام می‌شد، رزمندگان شرکت کننده در عملیات فرصت داشتند خودشان را از دامنه تپه یا کوه بالا بکشند، لوله‌های حاوی مواد منفجره یا همان اژدر بنگال‌ها را پشت سر هم چیده و منفجر کنند تا راهی به پایگاه بیابند و بعد با سربازان حاضر در پایگاه که تا آن وقت کاملاً هشیار شده و در سنگرهای اطراف پایگاه موضع گرفته و منتظر رسیدن آنها بودند درگیر شوند تا بعداً اگر فرصت کردند پایگاه را منهدم کنند.

رفته رفته تکرار این نوع حملات از سوی رزمندگان حزب الله، باعث شد صهیونیست‌ها تدبیر تازه‌ای بیندیشند: آنها پایگاه‌هاشان را به پناهگاه‌های بتنی محکمی در زیر آن در دل کوه مجهز کردند تا افرادشان بلافاصله بعد از شروع هر حمله، چنانکه قادر به ادامه نبرد نبودند درون آن بخرند و بعد منتظر سربازان رسیدن هلی کوپترها و جنگنده‌های پشتیبان شوند. در پناهگاه آنها با بی سیم وضعیت خود و پایگاهشان را به مقر اصلی که داخل خاک سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود خبر می‌دادند و آن وقت حد اکثر پانزده دقیقه فرصت لازم بود تا هلی کوپترهای آپاچی رژیم صهیونیستی بر فراز پایگاه

نه می‌شود از او عکس گرفت، نه می‌شود نامش را پرسید. نام‌ها همه مستعار: ابوعلی، ابوحسن، ابوزهر... موقع فیلم برداری اجازه نداری چهره‌هاشان را نشان بدهی، هر چند با آن کلاه لبه دار، عینک دودی و گاهی مرکب سیاه یا رنگینی که روی پوست صورتشان کشیده‌اند، دوستانشان هم آنها را نمی‌شناسند. باید به تصویربرداری مخدوش یا غیر واضح از آنها بسنده کنی: آنها رزمندگان حزب الله هستند و اینجا لبنان: کشور کوچکی با اقلاً ۱۷ طایفه مختلف مذهبی و قومی در شمال فلسطین اشغالی. لبنان سرزمین گسستن‌ها و پیوستن‌های روز به روز احزاب مختلف سیاسی و اقوام مختلف است. کشوری که قرن‌هاست در آن پیوندهای سیاسی دیری نمی‌پایند. چه بسا دوستان امروز، دشمنان فردا باشند و این اتحاد سیاسی که امروز پای بر که آن را امضا می‌کنی، حربه‌ای برای شناختن خبرگان و بزرگان تو برای به دام انداختن و در هم شکستن تو در فراروری باشد. این چنین، حتی دوستان سیاسی حزب الله هم هیچ‌گاه اسم و آدرس سربازان مقاومت را نخواهند دانست. چه رهبر مقاومت را و چه یک رزمنده عادی یا حتی آن راننده ساده حزب الله را. تا زمانی دراز - که معلوم نیست کی به سر خواهد آمد - رسانه‌ها همه باید به تهیه کردن این نوع گزارش از سربازان حزب الله بسنده کنند: رزمنده‌ای با چهره مخدوش، صدای دفرمه و لباسی نظامی و کلاه لبه دار و عینک دودی. جایی که چه بسا حتی مادر این رزمنده حزب الله هم نداند فرزندش رزمنده‌ای است که در عملیات بعدی در خطوط مقدم نبرد با صهیونیست‌ها خواهد جنگید. این چنین هیچ شبکه‌ای، دوست یا دشمن، بی‌بی‌سی و سی‌ان‌ان یا الجزیره و العالم و پرس تی‌وی موفق به نشان دادن یک رزمنده حزب الله جلوی دوربینش نخواهد شد. مصاحبه اگر می‌خواهی از پشت سر یا با افراد غیر واقعی که رویدادها را از زبان یک شاهد زنده رو به دوربین روایت می‌کنند. همین رزمندگان گمنام، ۱۸ سال تمام تپه به تپه و پایگاه به پایگاه با سربازان اشغالگر صهیونیست یا نیروهای ارتش آنتوان لحد، مزدوران ارتش اسرائیل در جنوب لبنان، جنگیدند تا بالاخره در بهار سال ۲۰۰۰ آزادی لبنان را به چشم دیدند.

سال ۲۰۰۰ میلادی، چند روزی قبل از عقب‌نشینی سراسری



کمتر از هجده روز بعد از انجام عملیات عرمتا، در صبح روز شانزدهم می ۲۰۰۰ میلادی، عقب‌نشینی سراسری نظامیان رژیم صهیونیستی و مزدوران ارتش آنتوان لحد از جنوب لبنان آغاز شد

صهیونیست‌ها اکثر پایگاه‌هاشان را شبیه این پایگاه - پایگاهی سجد - بالای کوه‌ها یا تپه‌ها می‌ساختند تا بر مناطق اطراف مسلط باشند



پایگاه عرمتا

ظاهر شوند و هر موجود زنده‌ای در اطراف پایگاه را شکار کنند. این چنین، رزمندگان مقاومت برای انجام هر عملیات و حمله به هر پایگاه، از ابتدا تا انتها کمتر از ۱۵ دقیقه فرصت داشتند؛ پانزده دقیقه وقت برای نصب اژدر بنگال‌ها، گشودن معبری کوچک از میان میادین مین، عبور رزمندگان از آن برای رسیدن به پایگاه، انجام عملیات و انهدام پایگاه و افراد حاضر در آن و بالاخره برگشتن و دور شدن از منطقه.

جنس پناهگاه‌ها از بتن مسلح بود و دیوارها و سقف آن حدود یک متر ضخامت داشت. با استفاده از این روش نیروهای اشغالگر دیگر چندان نگران تلفات انسانی نبودند. آنها مصون از هر آنچه بالای سرشان روی می‌داد در پناهگاه‌هاشان می‌ماندند تا جنگنده‌های پشتیبان سر برسند و پایان درگیری را به آنها اعلام کنند تا از پناهگاه خارج شوند. حزب‌الله باید برای این وضعیت تازه تدبیری می‌اندیشید.

روز ۲۸ آوریل ۲۰۰۰ روزی بود که برای انجام عملیات رزمندگان حزب‌الله علیه پایگاه عرمتا در نظر گرفته شد. این پایگاه باز هم روی یک تپه بود، اما ارتفاع تپه‌ای که پایگاه روی آن بود نسبت به کوه‌های اطراف کمتر بود. این پایگاه هم به زیر زمین بتنی مجهز بود. موقعیت پایگاه طوری بود که حلقه واسط نیروهای لحدی در شمال منطقه با اشغالگران صهیونیست در جنوب آن بود. جلوی پایگاه عرمتا کوهی است که به خاطر پیامبری که همانجا دفن شده، به «نبی ابوالکب» معروف است. پشت سر پایگاه هم روستای دیگری به نام «ریحان» قرار دارد. در سمت شرق، پایگاه دیگر صهیونیست‌ها به اسم «شیار عازور» قرار داشته که حالا محل نصب یک آنتن موبایل است و در غرب هم ارتفاع «جبل صافی» واقع است.

اگر این پایگاه طوری منهدم می‌شد که دیگر کسی نتواند در آن بماند، ارتباط بین دو گروه نیروهای اشغالگر در شمال و جنوب منطقه قطع می‌شد و آن وقت آنها ناچار می‌شدند تمام پایگاه‌های شمالی منطقه را که در محاصره روستاهای شیعه‌نشین اقلیم‌التفاح بود ترک کنند و به قسمت جنوبی منطقه بروند. با این کار هم مناطق اشغالی بسیاری در جنوب آزاد می‌شد و هم رزمندگان حزب‌الله آزادی عمل بیشتری پیدا می‌کردند. اما چطور می‌شد پایگاه عرمتا را طوری منهدم کرد که امکان حضور هیچ سربازی در آن نباشد؟ نه حزب‌الله جنگنده‌ای داشت که از هوا پایگاه را بمباران و منهدم کند و نه فرصت کوتاه حملات به آنها اجازه چنین کاری می‌داد. اما آنها برای این موضوع چاره دیگری اندیشیدند: چاره‌ای که اشغالگران را ناچار کرد کمتر از ۲۰ روز بعد تمامی پایگاه‌هاشان در خاک لبنان را ترک و به آن سوی مرزهای بین‌المللی عقب نشینی کنند:

چند روزی پیش از اجرای عملیات عرمتا، کیلومترها دورتر از پایگاه و در یکی از روستاهای منطقه، رزمندگان حزب‌الله مشغول زرهی کردن یک کامیون بودند تا با تیراندازی و حمله به آن، کامیون آسیبی نبیند. داخل کامیون یک و نیم تن تی‌ان‌تی جاسازی شده بود. کامیون که آماده شد نیروهایی که مسئول گلوله‌باران پایگاه و مشغول کردن دشمن تا رسیدن رزمندگان به پایگاه بودند در کوه‌های اطراف پایگاه عرمتا مستقر شدند. مجموعاً حدود ۲۰۰ نفر کارهای مختلف عملیات، از حمل و انتقال مهمات و اژدر بنگال‌ها به نزدیک‌ترین نقطه به پایگاه جهت انجام عملیات گرفته تا انتقال



حتی دوستان سیاسی حزب‌الله هم هیچگاه اسم و آدرس سربازان مقاومت را نخواهند دانست. چه رهبر مقاومت را و چه یک رزمنده عادی یا حتی آن راننده ساده حزب‌الله

آدرس: شهرک غرب - روبروی ادیکه ایرانیان - خیابان اردغوان شرقی - مرکز تجاری اردغوان

آماهه پذیرایی از میهمانان خارجی و سفارتخانه‌ها

تلفن دزدو: ۰۲۱ ۸۱۲۹۹۸۸۸

پارکینگ اختصاصی

کافه‌ها

همراه با موسیقی زنده سنتی کرد و ستودایی لحظاتی به یاد ماندنی

در هیچ نقطه طهران شصته ندارد

